

همه چیز بودن

راهنمای آنان که (هنوز)
نمی دانند می خواهند چه کاره شوند

امیلی واپنیک

سعید دانشمندی

نشر نوین

سرشناسه	:	واپنیک، امیلی. Wapnick, Emilie
عنوان و نام پدیدآور	:	همه چیز بودن / نوشته‌ی امیلی واپنیک، مترجم: سعید دانشمندی. ویراستار: محسن فرهمند
مشخصات نشر	:	تهران، نوین توسعه، 1399.
مشخصات ظاهری	:	200 صفحه.
شابک	:	978-622-6840-50-7
فهرست‌نویسی	:	فیپا
یادداشت	:	عنوان اصلی: How to Be Everything, 2018.
موضوع	:	انتخاب حرفه، چندپتانسی‌ها
رده‌بندی کنگره	:	HF 5381
رده‌بندی دیویی	:	650/1
شماره کتاب‌شناسی ملی	:	7405348

نشر نوین

nashrenovin.ir



عنوان:	همه چیز بودن
نویسنده:	امیلی واپنیک
مترجم:	سعید دانشمندی
ویراستار:	محسن فرهمند
زمان و نوبت چاپ:	1403، پنجم، 200 نسخه
تیراژ کل تاکنون:	4500 نسخه
ناشر:	نشر نوین توسعه
شابک:	978-622-6840-50-7
قیمت:	220,000 تومان

کلیه حقوق کتاب برای ناشر محفوظ است.

فهرست

پیش‌گفتار) نامه‌ای به خواننده..... 7

بخش اول) همه‌چیز؟

- فصل 1) شما هیچ ایرادی ندارید..... 15
فصل 2) چندپتانسیل‌ها؛ سست‌عنصر یا نوآور؟..... 27
فصل 3) اجزای زندگی چندپتانسیلی شاد..... 41

بخش دوم) چهار الگوی کاری چندپتانسیلی‌ها

- فصل 4) رویکرد آغوش جمعی..... 67
فصل 5) رویکرد چندپتانسیلی..... 89
فصل 6) رویکرد اینشتینی..... 105
فصل 7) رویکرد ققنوسی..... 119

بخش سوم) موانع دست‌وپاگیر رایج چندپتانسیلی‌ها

- فصل 8) سیستم بهره‌وری شخصی..... 139
فصل 9) ترس، اعتمادبه‌نفس و مواجهه‌شدن با افرادی که متوجه نمی‌شوند..... 169
فصل 10) جمع‌بندی..... 187

پیوست‌ها

- پیوست 1) چندپتانسیلی‌های مشهور..... 193
پیوست 2) مثال‌هایی از حوزه‌های میان‌رشته‌ای..... 196

پیش‌گفتار

نامه‌ای به خواننده

اگر سراغ این کتاب آمده‌اید، احتمالاً به این دلیل است که در رسیدن به پاسخی مشخص به این سؤال به مشکل برخوردیده‌اید: «می‌خواهید چه‌کاره شوید؟» با وجود این، قرار نیست من به شما نشان دهم چطور این مشکل را حل کنید.

این کتاب برای کسانی است که نمی‌خواهند فقط به یک موضوع بپردازند و از دیگر علایق‌شان دست بکشند. شاید بهتر است بگویم این کتاب برای انسان‌های کنجکاو است؛ برای کسانی که با یادگیری چیزهای جدید و خلق کردن و دگرگونی هویت، اشتیاق را تجربه می‌کنند.

شما مجبور نیستید یک چیز را انتخاب کنید! این همان راز بزرگی است که هیچ‌کس به شما نمی‌گوید. این کتاب به شما نشان خواهد داد به چه روش‌هایی می‌توانید حرفه‌ای بسازید که نه تنها پایدار و نتیجه‌بخش باشد، بلکه به شما اجازه دهد تا آنجا که دل‌تان می‌خواهد کشف و جست‌وجو کنید یا به عبارتی، **چطور همه چیز باشید.**

با این توضیحات باید توجه کنید که این کتاب معمولی نیست و خواندنش هم تجربه‌ای معمولی نخواهد بود. ساختن زندگی‌ای چندبعدی به درون‌نگری و آزمایش نیازمند است. من اینجا هستم تا راهنمایی‌تان کنم، اما از شما می‌خواهم در طول این مسیر کارهایی را انجام دهید؛ از جمله تهیه فهرست، قشقرق به‌پا کردن، تحقیق درباره ترکیب‌های کلامی عجیب و... پس لطفاً حین خواندن کتاب چند برگ کاغذ، خودکار و حتی مازیکی خوش‌رنگ همراه داشته باشید تا جمله‌هایی را که می‌خواهید در ذهن‌تان بماند علامت بزنید. این کار آغاز مسیری مهم و درعین‌حال سرگرم‌کننده است.

مقدمه مترجم

من هم مثل بسیاری از هم‌سن و سال‌هایم، تا پیش از ورود به دانشگاه همان رویه‌ی توصیه‌شده را دنبال کرده بودم: «درست رو خوب بخون، دانشگاه قبول شو! بعد در کنارش می‌تونی دنبال علایقت هم بری». وقتی سر از رشته‌ی مهندسی برق دانشگاه تهران درآوردم، متوجه شدم مشکل این مسیر مرسوم چیست. در آستانه‌ی بیست سالگی، شناخت درستی از علایقم نداشتم و حتی نمی‌دانستم از کجا باید شروع کنم!

در میانه‌ی سال‌های کارشناسی، شروع به امتحان و آزمایش زمینه‌های مختلف کردم: بازاریابی، فعالیت دانشجویی داوطلبانه، تدریس زبان، مترجمی، راهنمای گردشگری، تولید محتوا و غیره. هر یک از زمینه‌ها را با کنجکاوی و اشتیاق آغاز می‌کردم، اما مدتی بعد همه‌ها را رها می‌کردم و برای تغییری دیگر بی‌قرار می‌شدم. این «از شاخه‌ای به شاخه‌ای پریدن» علاوه بر اینکه نگرانی خانواده و دوستانم را برمی‌انگیخت، توأم با نوعی عذاب وجدان و تردید بی‌پای خودم هم بود. اگر نمی‌توانستم مثل خیلی‌ها آرام و قرار بگیرم و «بچسبم به یک چیز» چه آینده‌ی متلاطم و مبهمی در انتظارم بود؟

طبیعت آدمی به راحتی تغییر نمی‌کند. از این رو، با تمام تردیدها و سرزنش‌ها، به راه پرفراز و نشیب خودم ادامه دادم. تا اینکه در سال 2016، در خلال کنجکاوی‌هایم به یک سخنرانی تد برخورددم به نام «چرا برخی‌ها یک رسالت راستین در زندگی ندارند؟». انگار سخنرانی ده دقیقه‌ای ایمیلی واپنیک، پاسخ سال‌ها جستجو و سرگردانی‌ام را داده بود: داشتن علایق متنوع و پی گرفتن همه‌ی آنها هیچ ایرادی ندارد و فقط یک سبک زندگی متفاوت (و کمی غیرمتعارف) است!

تا پیش از این، کسی به من نگفته بود این هم نوعی از زیستن است. در غیاب نمونه‌های مشابه، گمان می‌کردم یک جای کارم می‌لنگد. اما این سخنرانی به من قوت قلبی داد تا خودم را بیشتر بپذیرم. چنان از این کشف ذوق‌زده بودم که درباره آن شروع

به صحبت با دوستان و آشنایانم کردم. در کمال تعجب، متوجه شدم که این پدیده در جامعه‌ی ایران نادر نیست، بلکه مغفول مانده است. زیرا در فقدان منابع مرتبط برای شناخت این سبک زندگی، اغلب ویژگی‌هایی به آن نسبت داده شده که بار معنایی منفی دارند: همه‌کاره و هیچ‌کاره، شاخه به شاخه پریدن، یک سر و هزار سودا، آچار فرانسه و الی آخر.

زمانی که تحقیق در این باره را آغاز کردم، متوجه شدم که قبلاً در فرهنگ ما چنین سبک و سیاقی متداول بوده است. عبارت «علامه‌ی دهر» که امروزه به طعنه بیان می‌شود، زمانی به بزرگانی اطلاق می‌شده که به علوم زمانه‌ی خود اشراف داشتند: ابوعلی سینا، شیخ نصیرالدین طوسی، جابر ابن حیان، زکریای رازی، خیام و دیگران از همین دسته بودند. البته با گسترش دانش انسانی، «بحرالعلوم» بودن به راحتی قبل ممکن نبود، اما آنچه حافظ اهمیت است ارزش شمرده شدن این گوناگونی علایق در گذشته بوده که امروزه به این صورت نیست. پس ارجحیت یافتن «تخصص‌گرایی» بر «کل‌گرایی» یک فرآیند تدریجی بوده است.

می‌توان با نگاهی به تاریخ بشریت، این روند حرکت از کل‌گرایی به تخصص‌گرایی را مشاهده کرد. انسان اولیه نیازمند توانایی‌ها و فعالیت‌های متنوعی برای تضمین بقا و تامین نیازهایش بود: شکار، ساخت مسکن، تهیه لباس و غیره. با آغاز شهرنشینی، بسیاری از امور در قالب مشاغل میان افراد جامعه تقسیم شد و شاهد پیدایش صنعتگران متخصص بودیم. روند تخصصی شدن مشاغل با انقلاب صنعتی و به طور خاص، با فراگیر شدن خطوط تولید، موجب محدودتر شدن حیطه فعالیت‌های کارگران شد. در عمل، بسیاری از کارمندان مسئولیت انجام عملیات بسیار ساده و تکراری را بر عهده داشتند و فراتر از آن انتظاری از آنها نمی‌رفت.

البته تمایز میان کل‌گرایی و تخصص‌گرایی مختص عالم انسان‌ها نیست و در دنیای حیوانات نیز قابل مشاهده است. گونه‌های متخصص به تناسب شرایط محیطی خود فرگشت یافته‌اند و از این رو، دارای مزیت رقابتی هستند. اما وابستگی آنها به آن شرایط به این معنا است که تغییرات می‌توانند به منزله‌ی تهدیدی برای بقا و تکثیرشان تلقی شوند. به عنوان مثال، کوالا یکی از موفق‌ترین گونه‌های گیاهخوار در استرالیا

است. اما به دلیل وابستگی حیات آن به درخت اکالیپتوس، اتفاقاتی نظیر آتش‌سوزی جنگل‌ها در سال 2019 آنها را در معرض خطر انقراض قرار داده است. در انتهای دیگر طیف، گونه‌های کل‌گرا قرار دارند که توانایی تطبیق‌پذیری بالایی با شرایط متنوع و متغیر دارند. سگ، گربه و موش نمونه‌های بارز این دسته‌اند که حضور آنها در تقریباً تمامی اقلیم‌های کره‌ی زمین موید قابلیت‌های چندکارکردی آنها است.

تغییرات اساسی دهه‌های اخیر نیاز به بازنگری در امر کل‌گرایی را ایجاب می‌کنند. از یک سو، با گسترش علوم مختلف شاهد توسعه حوزه‌های میان‌رشته‌ای بوده‌ایم که با اختلاط زمینه‌های متفاوت، خالق نوآوری‌ها و نگاه‌های نوینی بوده‌اند. توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، دسترسی به دانش و روش‌های به‌روز را تسهیل کرده و امروزه یادگیری یک مهارت جدید به سهولت با مشاهده محتوای آموزشی در اینترنت و تمرین کردن، ممکن است. همچنین، پروژه‌های کلانی که در سطوح مختلف علم و صنعت رقم می‌خورند، علاوه بر متخصصانی از حوزه‌های مختلف، نیازمند مدیرانی است که توانایی درک و برقراری ارتباط میان رتیم‌ها را دارا باشند. از این رو، در دنیای کنونی نیاز و فرصت بیشتری برای ترکیب علایق و علوم مختلف وجود دارد.

پس از خواندن کتاب «همه چیز بودن»، مطمئن بودم که می‌خواهم ترجمه‌ی این اثر را به عهده بگیرم و پیام این کتاب را برای جامعه‌ی ایرانی به ارمغان بیاورم. هر چند این نگاه متفاوت به شیوه‌ی زندگی، شاید خلاف ارزش‌های اجتماعی باشد که گروهی برای تخصص، ثبات و امنیت قائل‌اند، اما بی‌تردید راهنمای بسیاری دیگر نیز خواهد بود که به دنبال ارزش‌های متفاوتی از جمله آزادی، تنوع و انعطاف‌پذیری در زندگی هستند. امیدوارم این کتاب برای این گروه از افراد، الهام‌بخش و روشنگر باشد و آنان را در جهت زندگی کردن خود واقعی‌یاری کند.

در پایان، جا دارد از عزیزانی تشکر کنم که ترجمه‌ی این اثر بدون کمک آنها ممکن نبود. ابتدا، از همسرم، عاطفه زاهد، که در روزهای دشوار قرنطینه‌ی کرونا، عشق و آرامشی به خانه و زندگی‌ام آورد تا بتوانم به کار ترجمه بپردازم. سپس، از پدر، مادر و خواهرم که در مسیر پرتنوع زندگی‌ام، آزادی آزمودن و اهمیت آموختن را نشانم دادند. همچنین، خانم افسانه فروزان که همدلی و همکاری او در فرآیند ویراستاری اولیه‌ی

کتاب، انگیزه‌ی مضاعفی برای پیش رفتن بود. در پایان، از تمام دوستان فضای مجازی و حقیقی که به مبحث چندپتانسیلی علاقه نشان دادند و برای معادل‌سازی و بسط ایده‌های آن یاریگر و مشوقم شدند.

«نه هر آن کس که سرگردان است، گم‌گشته است.» - جی. آر. آر. تولکین

محمد سعید دانشمندی

پاییز 1399